

دبیر: علیخانی

استفهام (پرسش) / انکاری / پرسش تأکیدی

در جمله تأکیدی : پرسشی که شنونده با جواب بله، به درستی سخن گوینده، اقرار می کند و تأکید می کند که حتما چنین می شود. اغلب فعل پرسشی به صورت منفی می آید و پاسخ مثبت. (دقیقا برعکس پرسش انکاری)

در پرسش انکاری : پرسش به صورت مثبت مطرح می شود و جواب آن به صورت منفی می آید.

• پیاده ندیدی که جنگ آورد سرِ سرکشان زیر سنگ آورد؟

(( یعنی حتما دیدی که پیاده جنگ می کند و سر دشمنان را به زمین می زند. ))

پرسش تأکیدی

• نه باید شکر کنی که باز تو را کبی و او مرکوب؟

(( یعنی حتما باید شکر کنی که تو سواره هستی و آن حیوان، موجودی است که بر آن

سوار می شوند. )) پرسش تأکیدی

• صبا از من پیامی ده به آن صیادسنگین دل

که تا گل در چمن باقی است، آزادم کند یا نه؟

(( پرسش معمولی ))

• درد اگر مرد است با دل، راست رویارو شود

پس چرا از پشت خنجر زد و نامردشد؟

(( پرسش معمولی))

• نگفتمت که چو مرغان به سوی دام مرو؟

بیا که قوت پروازِ پر و پات منم

(( یعنی به تو گفتم که.... )) اگر فعل منفی باشد و در معنی مثبت بیاید، **نشانه تأکیدی**

است. **پرسش تأکیدی**

• آنان که خاک را به نظر، کیمیا کنند آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

(( پرسش معمولی))

• شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل

کجادانند حال ما سبکباران ساحل ها؟

((یعنی حال ما را سبکباران ساحل ها نمی دانند.)) **پرسش انکاری**

• به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من

چو اسیرتوست اکنون به اسیر کن مدارا؟

((یعنی کسی به جز حضرت علی، این جمله را نمی گوید.)) **پرسش انکاری**

• چطور چنین چیزی ممکن است؟

(( یعنی ممکن نیست. )) پرسش انکاری

• به کجا چنین شتابان؟؟؟ (( پرسش عادی ))

• آیا پایان کار همه مرگ نیست؟؟ (( پرسش تأکیدی ))

• زندگانی چگونه باید کرد؟ چه کسان را نمونه باید کرد؟ (( پرسش معمولی ))

• ازدست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

(( یعنی هیچ کس نمی تواند از عهده شکر نعمتهای خدا بر بیاید. )) پرسش انکاری

• زنده را تا زنده است باید به فریادش رسید

ورنه بر سنگ مزارش آب پاشیدن چه سود؟؟

(( یعنی سودی ندارد. )) پرسش انکاری

• عشق عینِ آب ماهی یا هوای آدم است

می توان ای دوست بی آب و هوا یک عمر زیست؟؟؟

(( نمی توان بدون عشق زندگی کرد. )) پرسش انکاری

• که باور می کند در باغ ما داغ صنوبر را

که باور می کند افتادن سروِ تناور را؟

(( هیچ کسی باور نمی کند...)) پرسش انکاری

• ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز؟؟

((یعنی بدون نام تو نامه را باز نمی کنم. کاری را شروع نمی کنم.)) پرسش انکاری

• تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد؟

(( نمی توانی به کوی حقیقت گذر کنی.)) پرسش انکاری

• همچو نی زهری و تریاکی که دید همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟

(( یعنی کسی مانند نی زهر و پادزهر ندید. یعنی کسی مانند نی دمساز و مشتاقی ندید.))

پرسش انکاری

• چیست این سقف بلند ساده بسیارنقش؟ زین معما هیچ دانا در جهان آگاه نیست

(( پرسش معمولی))

• آرزو می کردم که تو خواننده شعرم باشی / راستی شعر مرا می خوانی؟

(( پرسش معمولی))

• کی رفته ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده ای نهفته کی پیدا کنم تو را؟

((یعنی از دل نرفته ای و نهفته نبوده ای.))

پرسش انکاری